

چه فرخنده شبی بود آن شب



نویسنده : گلاره ناصری

نام دبیرستان : دبیرستان نمونه دولتی سعدی

کلاس : ۸۰۲

چه فرخنده شبی بود آن شب

شبی که چشم گشودی و ملائک بر بالینت ایستاده و این نعمت
الهی را سپاس میگفتند و سبحان الله بود که دائم بر لبانشان جاری
بود

چه فرخنده شبی بود آن شب

شبی که برای نخستین بار لب باز کردی و کلام پروردگارت را بر
لب جاری نمودی

و کوه از آن همه ابهت به سجده افتاد

عرش با دیدن این شکوه بر خود لرزید

خورشید با دیدن این میزان فروتنی سوخت و خاکستر شد

و زمین

و زمین بر خود بالید

بر خود بالید به خاطر قدم هایی که بر او راه می روند

خواندی کلام خدا را

خواندی

اقرا بسم ربك الذی خلق

و چه فرخنده شبی بود

شبی که برای نخستین بار صلوات و درود فرستادم بر تو و آل
اطهارت

اقرا بسم ربك الذی خلق

بخوان به نام پروردگارت

بخوان به نام خالق این نور هستی

این تجلی تمام و کمال صفات الهی

این نماینده

این منجی بشریت

بخوان تا بار دیگر صدایت بیچد و گوش عالم از این نوای ملکوتی

پر شود

بخوان تا عرش خدا سر تعظیم فرود آورد در مقابل این نوای

آسمانی

بخوان تا زمین از خجالت آب شود و در خود فرو رود

بخوان تا عالم برای دگر بار بشنود و محو این نوای خدایی شود

بخوان و می خوانم

با نام خدا

و با نام پیغمبر خدا

من

یک نوجوان مسلمان

یک نوجوان شیعه

یک نوجوان ایرانی

پاسدار مرز و بوم شیعه و اسلام

میخوانم : اقرا بسم ربك الذی خلق كه تو پیغمبر منی و این عرش

الهی است كه به وجود نازنین تو می نازد و

بی صبرانه در انتظار منجی عالم و آینه صفات توست

و چه فرخنده شبی است آن شب...